

نشست «پروسه کابل»؛ یک حقیقت و هزار دروغ



دومین نشست «پروسه کابل» اواخر هفته گذشته با حضور 25 کشور و 3 سازمان بین المللی در کابل برگزار گردید. مبارزه مشترک با "تروریسم" و تأمین صلح در افغانستان از اهداف اصلی این نشست بود و در ضمن، حکومت افغانستان طرح صلح با شورشیان مخالف خود را به جامعه جهانی ارائه کرد.

بدون شک، صلح و آرامش آرزوی دیرینه ی هر فرد این سرزمین است. چون نزدیک به چهل سال است که مردم افغانستان در آتش جنگ و وحشت شب و روز خویش را سپری می کنند. بارها آجنداهای صلح مطرح گردیده اما آنچه مردم شاهد بوده اند، گسترش بیشتر وحشت و ناامنی نسبت به گذشته می باشد.

اما در مقطع فعلی، به راستی دولت افغانستان می تواند به وعده های خود برای آوردن صلح جامع عمل ببوشاند یا این که این نشست ها بیشتر جنبه نمایشی داشته و برای فریب اذهان عامه مورد استفاده قرار می گیرند؟

آنچه، از عملکرد دولت افغانستان در هفده سال پسین شاهد بوده ایم این است که دولت با چنین صحنه سازی ها تلاش می کند حقایق تلخ موجود در کشور را پنهان نماید، و یک امید واهی و کاذب را برای مردم ایجاد کند و چند صباحی دیگر تحت نام شیرین صلح مردم را فریب دهد.

از این رو، برای پنهان نگهداشتن حقایق تلخ این روزهای افغانستان، دولت تلاش می کند تا با به راه انداختن نشست های مختلف چهارجانبه و سه جانبه، بحث های نمادین در مورد صلح و اینک نشست دوم «پروسه کابل» و هزارها دروغ دیگر، اذهان عامه را منحرف نموده تا حقایقی که زندگی مردم را دشوار و غیر قابل تحمل ساخته پوشیده باقی بماند. اما «یک حقیقت و هزار دروغ»، درسی است که "چرچیل" به آنها آموخته است. چنانچه او (چرچیل) صدر اعظم اسبق انگلیس می گفت: "برای پنهان نگهداشتن یک حقیقت باید هزار نوع دروغ گفته شود." از این رو، عجیب نیست که شاگردان او چنین سیاستی را در پیش بگیرند.

اما حقیقتی که تلاش برای پنهان نگهداشتن آن در جریان است، جز جنگ، ناامنی و بی ثباتی چیز دیگری نیست. حقیقتی که ابزاری موثر و تخته خیز بلند برای دستیابی به اهداف منطقی امریکا می باشد. با این وجود، در موجودیت امریکا جنگ حقیقت مسلم و غیر قابل تغییر در افغانستان خواهد بود، اما این حقیقت باید با دروغ ها و حقه بازی های سیاسی پنهان گردد تا از یک سو برای مردم امید کاذب ایجاد گردد و از سوی دیگر فرصتی باشد تا حکومت شکسته و ریخته "وحدت ملی" خود را جمع و جور کرده و تصویر مثبت از خود ارائه کند.

دولت افغانستان که به شدت از داخل چند پارچه گردیده و تنور اختلافات سیاسی با گذشت هر روز گرمتر می گردد، و پایه های دولت لرزانتر نسبت به گذشته گردیده، بحث ها و نشست های سیاسی مقامات خارجی در افغانستان بیشتر به یک پیام تبلیغاتی می ماند که دولت کجی های داخلی اش را پنهان نماید. در حالیکه چنین نشست ها هیچ گاه زمینه ساز به میان آمدن صلح و از میان بردن جنگ و ناامنی که از دیر زمانی بدین سو سوژه گرم برای رسانه های خبری می باشد، نخواهد گردید.

در فرجام، این تناقض آشکار است، اگر استراتژی امریکا در افغانستان تداوم جنگ و ناآرامی باشد و حکومت افغانستان وعده آمدن صلح را بدهد. چون در موجودیت جنگ، آمدن صلح غیر ممکن و تلاش برای آن جز فریب و امید واهی بخشیدن به مردم چیز دیگری نیست. چنانچه، مردم افغانستان چنین نشست ها را بارها تجربه کرده اند که در آنها مصارف گراف صورت گرفته و روزها تعطیل گردیده و جاده ها بر روی مردم مسدود، اما هیچ کدام آنها نتیجه ی را در بر نداشته و برعکس شدت جنگ و ناآرامی بیشتر و گسترده تر از قبل گردیده است.

سهیل صالحی